



The Relationship between Depression and Neuroticism with Child Rejection in Parents: The Mediating Effect of Parental Burnout

Seyyede Fatemeh Mousavi¹

1. Ph.D. in Psychology, Associate Professor, Department of Psychology, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. f.mousavi@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

Received: 19/09/2025 - Accepted: 11/11/2025

Aim: The present study was conducted to investigate the mediating effect of parental burnout in the relationship between depression and neuroticism and child rejection in parents. **Method:** This study employed a correlational design. Accordingly, 206 parents (127 mothers and 79 fathers), aged 21–47 years, voluntarily participated in the study using convenience sampling. The research instruments included the Persian version of the Parental Burnout Assessment (Mousavi et al., 2020), the Neuroticism scale developed by Gosling et al. (2003), the Parental Rejection scale by Rohner and Ali (2020), and the Depression scale by Kroenke et al. (2001). **Finding:** The results indicated that the total effect of neuroticism on parental rejection was not significant ($\beta = .02, p > .05$), whereas the total effect of depression on child rejection was significant ($\beta = .03, p < .001$). Furthermore, depression ($\beta = .35, p < .01$) and neuroticism ($\beta = .16, p < .01$) had significant effects on parental burnout. The effect of parental burnout on parental rejection was also significant ($\beta = .69, p < .05$). In addition, the indirect effects of depression ($\beta = .24, 95\% \text{ CI } [.006, .05]$) and neuroticism ($\beta = .11, 95\% \text{ CI } [.005, .07]$) on parental rejection through parental burnout were significant. **Conclusion:** Attention to high-risk personality traits such as neuroticism and mood disorders such as depression, which increase the likelihood of parental burnout in parents and may lead to negative parenting outcomes such as child rejection, is of considerable importance in the field of parenting. Therefore, helping parents to recognize and effectively cope with these high-risk factors can facilitate constructive parenting conditions and reduce the effects associated with parental burnout.

Keywords: Parental burnout; child rejection; neuroticism; depression



رابطه افسردگی و روان رنجورخویی با طرد فرزندان در والدین: اثر میانجی فرسودگی والدینی

سیده فاطمه موسوی^۱

۱. دکتری روان شناسی، دانشیار، گروه روان شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
f.mousavi@alzahra.ac.ir

(صفحات ۸۴-۱۱۳)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف مطالعه اثر میانجی فرسودگی در رابطه بین افسردگی و روان رنجورخویی با طرد فرزندان در والدین انجام شد. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی است، بدین منظور، تعداد ۲۰۶ والد (۱۲۷ مادر و ۷۹ پدر) در دامنه سنی ۴۷-۲۱ سال به روش نمونه‌گیری دردسترس، برای شرکت در پژوهش داوطلب شدند. ابزارهای پژوهش شامل نسخه فارسی سنجش فرسودگی والدینی (موسوی و همکاران، ۲۰۲۰)، مقیاس روان رنجورخویی گاسلینگ و همکاران (۲۰۰۳)، مقیاس طرد والدینی روهرر و علی (۲۰۲۰) و مقیاس افسردگی کروئیک و همکاران (۲۰۰۱) بودند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که اثر کلی روان رنجورخویی بر طرد در والدین معنادار نیست ($p > 0/05$)، اما اثر کلی افسردگی بر طرد فرزندان معنادار بود ($\beta = 0/03$, $p < 0/001$). نتایج نشان داد که افسردگی ($\beta = 0/01$, $p < 0/01$) و روان رنجورخویی ($\beta = 0/16$, $p < 0/01$) اثر معنی‌داری بر فرسودگی دارد، همچنین اثر فرسودگی بر طرد والدینی معنادار بود ($\beta = 0/69$, $p < 0/05$)، اثر غیرمستقیم افسردگی ($\beta = 0/06$, $CI = 0/095$, $0/006$) و روان رنجورخویی بر طرد والدینی به واسطه فرسودگی نیز معنادار بود ($\beta = 0/11$, $CI = 0/095$, $0/005$). **نتیجه‌گیری:** توجه به زمینه‌های شخصیتی پرخطر چون روان رنجورخویی و اختلالات خلقی چون افسردگی با افزایش احتمال فرسودگی در والدین که می‌تواند زمینه‌ساز پیامدهای منفی والدگری چون طرد فرزندان را در والدین باشد، اهمیت قابل‌توجهی در زمینه والدگری دارد. ازاین‌رو، کمک به والدین برای شناخت و مواجهه کارآمد با این زمینه‌های پرخطر می‌تواند شرایط والدگری سازنده و کاهش اثرات ناشی از فرسودگی را در والدین را فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی والدینی، طرد فرزند، روان رنجورخویی، افسردگی

مقدمه

رهاشدن فرزندان، واقعیتی دلخراش است که زندگی کودکان بی‌شماری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این واکنش در والدین، در ادبیات علمی، اغلب با بی‌توجهی، کودک‌آزاری و طرد از طرف والدین مرتبط است و بدترین نوع غفلت از فرزندان به شمار می‌آید (لوسیم^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات بین‌فرهنگی نشان می‌دهد که در جوامع انسانی دو بعد از رفتار والدینی قابل‌شناسایی است: پذیرش و طرد. از نظر روهنر^۲ و همکاران (۱۹۷۸) رفتار والدین را می‌توان به‌عنوان یک پیوستار تعریف کرد که در یک سر طیف، والدینی مشاهده می‌شود که هم از نظر کلامی و هم از نظر جسمی نسبت به فرزندان خود عشق و محبت نشان می‌دهند و در سوی دیگر طیف، والدینی هستند که با احساسات تنفرآمیز نسبت به فرزندان خود تعامل می‌کنند و از اقدامات تند و توهین‌آمیز در این تعاملات استفاده می‌کنند (گاریسیا^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). به گفته روهنر (۲۰۱۶) طرد فقدان گرمی، محبت یا عشق والدین نسبت به فرزندانشان است و عبارت است از انکار مداوم تأیید، محبت یا مراقبت از کودک توسط یک یا هر دو والدین، که گاهی در زیر پوششی از زیاده‌روی یا حمایت بیش‌ازحد پنهان می‌شود. به تبعیت از بولبی، واکنش طرد و پیامدهای آن را می‌توان عمدتاً در رابطه با دل‌بستگی یعنی پیوند عاطفی عمیق و پایدار بین والدین و فرزند توضیح داد (بولبی^۴، ۱۹۷۳). پذیرش و طرد مهم‌ترین عوامل در روابط دل‌بستگی است. پذیرش ادراک شده بازتابی از رفتارهای پاسخگو، قابل‌پیش‌بینی و حساس والدین نسبت به نیازهای فرزندشان است که منجر به دل‌بستگی ایمن می‌شود. در مقابل، طرد به پاسخ‌های غیرحساس و خودسرانه اشاره دارد که منجر به دل‌بستگی‌های نایمن می‌شود. دل‌بستگی‌های ایمن عزت‌نفس و اعتماد کودک به دیگران را تقویت می‌کند و پایگاه امنی برای وی فراهم می‌کند که کودک بتواند از آن کاوش و رشد

-
1. Iosim
 2. Rohner
 3. Gracia
 4. Bowlby

کند (لوریجین^۱ و همکاران، ۲۰۲۲)، از این حیث، می‌توان پیامد معمول طرد را عبارت از کاهش عزت نفس و اعتماد به نفس کودک، تصویر ضعیف از خود، ناتوانی در ایجاد دل‌بستگی به دیگران، خشم، خصومت تعمیم یافته و ایجاد اختلالات روانی و عاطفی دانست (انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲، ۲۰۱۸). ادبیات پژوهش در حوزه والدگری نشان داده است که سبک‌های والدینی که با خشم، پرخاشگری و طرد شدن مشخص می‌شود، با مشکلات سلامت روان کودکان مرتبط است. تجربه طردشدگی توسط والدین می‌تواند منجر به غم و اندوه عمیق و طولانی مدت و انبوهی از اثرات نامطلوب روانی بر رشد فرد شود (کارسل^۳، ۲۰۱۰) و یا پیامدهای نامطلوب تحصیلی و آموزشی را در فرزندان پیش‌بینی کند (ونتزل^۴ و همکاران، ۲۰۲۱؛ لوریجین و همکاران، ۲۰۲۲). چارچوب روهنر (۱۹۸۴) برای طرد در والدین سه بعد را پیشنهاد می‌کند: الف) خصومت و پرخاشگری؛ ب) بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری و ج) طرد تمایز نیافته. تعریف والد به عنوان خصمانه-طردکننده یا محبت‌آمیز-صمیمی را نمی‌توان تنها با مشاهده رفتار والدین انجام داد، زیرا پذیرش و طرد از خصلت‌های ثابت رفتار نیست. از این منظر تأثیر رفتار والدین بر فرزندان نه تنها به عناصر عینی بلکه به فرآیندهای ادراکی و استنباطی کودکان نیز بستگی دارد. نتایج مطالعهٔ گارسیا و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد که کودکان طردشده، در هر دو بعد روان‌شناختی و اجتماعی، با سایر کودکانی که روابط والدین و فرزندشان با پذیرش والدین مشخص می‌شود، «متفاوت» هستند، طرد ادراک شدهٔ کودکان از سوی والد برای سازگاری روانی و اجتماعی آن‌ها حاوی پیامد منفی است. به طور خاص، نظریهٔ پذیرش و طرد والدین پیش‌بینی می‌کند- و آزمایش‌های جهانی این پیش‌بینی‌ها را تأیید می‌کند- که کودکان طردشده بیش‌تر از کودکان پذیرفته شده به عنوان افرادی متخاصم، پرخاشگر، پرخاشگر منفعل، یا دارای مشکلاتی در مدیریت خصومت و پرخاشگری، به طور دفاعی

1. Lorijn
2. American Psychology Association
3. Caresle
4. Wentzel

مستقل یا وابسته بسته به درجه طرد، دارای اختلال در عزت نفس و خودکارآمدی، از نظر عاطفی ناپایدار، با عدم پاسخگویی عاطفی و جهان بینی منفی ظاهر می شوند (روهنر و همکاران، ۱۹۸۰). شواهد نشان می دهد که تأثیرات طرد و آزار عاطفی والدین صرفاً به اختلالات شخصیتی و رفتاری فردی در فرزندان محدود نمی شود، بلکه تأثیرات آن به حوزه های انتزاعی مانند باورهای مذهبی، هنر، موسیقی، و سایر رفتارهای ابرازی^۱ آن‌ها نیز می رسند.

طبق مدل سیستم های اجتماعی- فرهنگی روهنر (۲۰۱۶) رفتار طرد در والدین از عوامل چندسطحی (خانواده، جامعه و بافت اجتماعی- فرهنگی) نشأت می گیرد، گذشته از مشکلات رفتاری و عوامل مرتبط با فرزند، برخی فرایندهای و برآیندهای والدگری و والدمحور چون مشکلات سلامت روان (مانند افسردگی، مشکلات رفتاری و سوء مصرف مواد) (ارکمن و روهنر^۲، ۲۰۰۶)، سبک های فرزندپروری (چن^۳ و همکاران، ۱۹۹۸) و پیامدهای والدینی چون فرسودگی در والدین (میکولایچک^۴ و همکاران، ۲۰۱۸) می توانند منجر به واکنش طرد فرزندان در والدین شوند.

فرسودگی در والدین اثر خاصی بر غفلت و رفتارهای خشونت آمیز والدین نسبت به کودکان دارد (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸). فرسودگی در والدین یک سندرم منحصر به فرد و زمینه خاص است که در چهار بعد خستگی عاطفی و جسمی مفراط، فاصله عاطفی از فرزندان، تقابل با نقش والدینی خود در گذشته و احساس ناکارآمدی یا از دست دادن موفقیت والدین در مطالعات مختلف مورد توجه قرار گرفته است (رزکام و همکاران، ۲۰۱۷). خستگی عاطفی و جسمی منجر به رفتارهای نامناسب، از جمله ناتوانی در پاسخگویی مناسب به نیازهای کودکان و نوسانات خلقی می شود، والدین با فاصله گرفتن عاطفی از فرزندان معمولاً در تبادلات کم تری با فرزندان درگیر می شوند و

-
1. expressive behaviors
 2. Erkman
 3. Chen
 4. Mikolajczak

صرفاً به برآورده ساختن نیازهای فیزیولوژیکی و ابزاری کودکان بسنده می‌کنند، احساس می‌کنند دیگر به خوبی پدر و مادری سابق نیستند و از نقش پدر یا مادری خود احساس رضایت نمی‌کنند (رزکام^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ میکولایچک^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). والدین فرسوده از مواجههٔ روزانه با فرزندان خود خسته می‌شوند و از نقش والدینی خود بیزارند، احساس تهی شدن و خودتقصیری^۳ دارند، کمتر درگیر برقراری رابطهٔ فعال با فرزندانشان شده و از مدیریت کارآمد مسائل فرزندانشان عاجزند (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸)، اکثریت قریب به اتفاق والدین فرسوده، ایدهٔ فرار را به شکل افکار خودکشی یا تمایل به ترک خانه، بدون اعلام نشانی اعلام کرده‌اند، از آنجایی که والدگری به ویژه برای مادران یک شغل دائمی، بی‌وقفه و بدون مرخصی محسوب می‌شود، شگفت‌آور نیست که والدین به ویژه آن‌هایی که زمینه‌های استرس و فرسودگی دارند، دست به اعمالی برای گریز یا اجتناب از وضعیت موجود بزنند، اکثریت قریب به اتفاق مادران فرسوده رفتارهای غفلت‌آمیز از خود نشان می‌دهند (مثلاً ترک یک کودک خردسال و نداشتن نظارت هنگامی که روی نیمکت خوابیده) یا اعمال خشونت کلامی (توهین، فریادهای هیستریک) و حتی گاهی خشونت جسمی (ضرب و شتم، سیلی زدن) (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸a). میکولایچک و همکاران (۲۰۱۸a) طی مطالعهٔ خود بر روی مادران فرسوده دریافت که هیچ‌یک از آن‌ها مجازات‌های سخت را تأیید نکرده و یا در صورت تأیید، پس از این دوره‌ها احساس گناه بسیار شدید می‌کردند. این شواهد، فرض مبنی بر اینکه فرسودگی باعث افزایش رفتارهای طرد و خصومت‌آمیز در آن‌ها می‌شود را تأیید نمود. این شواهد نشان می‌دهد که والدین فرسوده، با استرس والدینی بالا، ظرفیت بروز رفتارهای معطوف به کودک‌آزاری بیش‌تری چون طرد، نادیده‌گرفتن و خصومت‌ورزی دارند (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸). سانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۴) طی مطالعهٔ خود بر

-
1. Roskam
 2. Mikolajczak
 3. self-blame
 4. Song

۹۱۶ مادر رابطه بین فرسودگی در والدین با رفتارهای طرد در آن‌ها را تأیید می‌کند؛ بدین ترتیب که والدین دارای تجارب مثبت والدینی با ادراک مثبت از خود به عنوان والد خوب، سبک‌های فرزندپروری مثبتی چون گرمی عاطفی و حمایت خودمختار را اتخاذ می‌کنند (جونز و پرینز^۱، ۲۰۰۵) و زمانی که احساس می‌کنند که صرفاً به نقش والدینی خود محدود شدند، ممکن است سبک‌های فرزندپروری منفی مانند طرد بیش‌ازحد، تنبیه شدید یا حتی خشونت را اتخاذ کنند (شی و کوین^۲، ۲۰۱۱)؛ از این منظر، فرسودگی والدین به عنوان یک تجربه منفی والدین با افزایش احتمالی تعارض والد-کودک یا تعارض زوج‌ها، محیط خانواده را مختل کرده (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸) و احتمالاً والدین را وادار می‌کند که سبک فرزندپروری منفی‌تری را اتخاذ کنند (سانگ و همکاران، ۲۰۲۴). والدینی که واکنش‌های منفی در تعامل با فرزندان خود ابراز می‌کنند، معمولاً از سطح تکانشگری بالا و انعطاف‌پذیری و ثبات هیجانی پایینی برخوردارند (پرایس^۳، ۱۹۹۹). این امر حاکی از نقش ویژگی‌های شخصیتی والدین بر نحوه تعامل آن‌ها با فرزندانشان است.

خلق و خوی و ویژگی‌های شخصیتی والدین نه تنها بر سطح استرس تجربه‌شده والدین تأثیر می‌گذارد (کاندلر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲)، بلکه بر روش‌های فرزندپروری مورد استفاده، و نه تنها در بین انسان‌ها، بلکه در بین سایر گونه‌های دیگر نیز اثرگذار است (ماستریپیری^۵، ۱۹۹۹). مطالعات روی گونه‌های جانوری و انسانی نشان داده است که مشخصات خلقی که با انعطاف‌پذیری عاطفی کم، تکانشگری و آستانه پاسخ پایین مشخص می‌شود، بروز خشونت علیه فرزندان را افزایش می‌دهد (پرایس، ۱۹۹۹)؛ ماستریپیری، (۱۹۹۹)، همین رابطه در بین والدین فرسوده نیز تأیید شده است

-
1. Jones
 2. Shea
 3. Pryce
 4. Kandler
 5. Maestriperieri

(میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸b). نتایج یک مطالعهٔ مقطعی با ۱۴۷۱ والد نشان داد فرسودگی در والدینی بیش‌تر مشاهده می‌شود که در ثبات هیجانی و وظیفه‌شناسی پایینی را تجربه می‌کنند و در همذات‌پنداری با نقش والدگری خود مشکل دارند (پیوتروسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعات دیگر نیز نشان دادند هرچه روان‌رنجورخویی و بی‌ثباتی هیجانی در والدین بیش‌تر باشد، عوارض فرسودگی بیش‌تری توسط آن‌ها گزارش می‌شود (غلامی حسنارودی و همکاران، ۱۴۰۲؛ وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳) ازاین‌رو، روان‌رنجورخویی از عوامل خطر پیش‌بینی‌کنندهٔ فرسودگی در والدین گزارش شده است (لی ویگورکس^۳ و همکاران، ۲۰۱۷) که درصد بالایی از واریانس فرسودگی را در والدین تبیین می‌کند (لی ویگورکس و اسکولا^۴، ۲۰۱۸). به علاوه، ویژگی‌های خلقی والدین که نشانگانی از افسردگی را در آن‌ها به نمایش می‌گذارد و گاه با بی‌ثباتی هیجانی و علائم نوروتیک در والدین همبسته است (ژائو و همکاران، ۲۰۲۵) یکی از عوامل مؤثر بر کنشگری والدین در تعامل منفی با فرزندان محسوب می‌شود. افسردگی در والدین، به ویژه هنگامی که مزمن باشد، می‌تواند منجر به حالت خستگی عاطفی، مسخ شخصیت و کاهش احساس موفقیت شود که همگی از نشانه‌های فرسودگی هستند. این می‌تواند یک چرخه معیوب ایجاد کند که در آن فرسودگی علائم افسردگی را بدتر می‌کند و برعکس (آبرامسون^۵، ۲۰۲۱). مطالعات نشان می‌دهد که همبستگی قوی بین افسردگی والدین و افزایش خطر فرسودگی والدین وجود دارد. والدینی که افسردگی را تجربه می‌کنند ممکن است با خواسته‌های عاطفی فرزندپروری دست‌وپنجه نرم کنند و منجر به احساس غرق شدن و تهی شدن شود (گاولیک^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). از همین رو، افسردگی والدین می‌تواند شیوه‌های فرزندپروری را مختل کند و منجر به محدودیت در توجه و

1. Piotrowski
2. Wang
3. Le Vigouroux
4. Scola
5. Abramson
6. Gawlik

پاسخگویی به نیازهای فرزندان شود و باعث می‌شود کودکان طردشدن از سوی والدین را درک کنند. والدین افسرده ممکن است در ارائه مراقبت و حمایت عاطفی مداوم مشکل داشته باشند که همین امر، به طور بالقوه منجر به احساس طردشدگی در کودکان می‌شود (سوفرونا و جیاناکوپولوس^۱، ۲۰۲۴). آسیب‌های روانی والدین، به ویژه علائم درونی سازی مانند اضطراب، افسردگی و استرس، می‌تواند شیوه‌های فرزندپروری را مختل کند و بر تعاملات والدین و فرزند تأثیر منفی بگذارد و منجر به مشکلات درونی سازی و برون سازی در کودکان شود (ارکسا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ داجئو^۳ و همکاران، ۲۰۲۳)، والدینی که سطح بالایی از اضطراب، استرس یا افسردگی دارند، بیشتر احتمال دارد رفتارهای طردکننده نسبت به فرزندان نشان دهند (ژو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰؛ مک^۵ و همکاران، ۲۰۲۰)، تجربه چنین طردی منجر به کاهش عزت نفس فرزندان شده، احساس درماندگی را در آن‌ها تقویت می‌کند و به ایجاد خودپنداره‌های منفی، اضطراب و علائم افسردگی در فرزندان کمک می‌کند (برثلون^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). یافته‌های فوق نشان می‌دهد که حوزه‌های رشد کودک که بیشترین آسیب را در برابر اثرات افسردگی والدین دارند، حوزه‌های مرتبط با رشد عاطفی هستند. به دلیل اهمیت نقش فرسودگی در نحوه تعاملات با فرزندان و چرخه تکرارشونده آن در انتقال بین نسلی، از آنجایی که فرسودگی حوزه‌ای روبه رشد در مطالعات والدگری است، همچنین از آنجایی که در بسیاری از مطالعات انجام شده بیش تر بر نقش پیامدی فرسودگی والدینی، توجه شده است، این مطالعه باهدف بررسی نقش واسطه‌ای فرسودگی والدینی در ارتباط میان روان رنجورخویی و افسردگی با طرد فرزندان انجام شده است. در چارچوب مفهومی پژوهش حاضر، فرض بر آن است که روان رنجورخویی و افسردگی می‌توانند هم به طور مستقیم با طرد فرزندان

1. Sofrona & Giannakopoulos

2. Xerxa

3. Dachew

4. Xu

5. Mak

6. Berthelon

مرتبط باشند و هم به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر سطح فرسودگی والدین، منجر به رفتارهای طردکننده در آن‌ها شوند. بدین ترتیب، فرسودگی والدینی به عنوان مکانیسمی واسطه‌ای در تبیین چگونگی تأثیر این متغیرهای روان‌شناختی بر طرد فرزندان در نظر گرفته می‌شود.

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش را کلیه مادران و پدران ایرانی تشکیل می‌دادند که حداقل دارای یک فرزند تحت مراقبت زیر ۱۸ سال در منزل بودند که دسترسی و توانایی استفاده از پلتفرم‌های آنلاین را داشتند، به همین ترتیب، والدین غیرساکن ایران، یا دارای فرزندان غیرتحت تکفل، بدون دسترسی یا عدم توانایی در استفاده از پلتفرم‌های مجازی خارج از نمونه مطالعه حاضر بودند.

والدین شرکت‌کننده از طریق نمونه‌گیری دردسترس و به صورت داوطلبانه با رضایت آگاهانه در مطالعه شرکت کردند. پرسشنامه‌ها از طریق پیمایش آنلاین (سکوی پرس‌لاین) در گروه‌های با عضویت پدران و مادران به اشتراک گذاشته شد، اهداف و شرایط شرکت در پژوهش توضیح داده شد. به شرکت‌کنندگان در خصوص محرمانگی اطلاعات شخصی آن‌ها و تمایل برای انصراف از مطالعه در هر زمان اطمینان داده شد.

ابزار سنجش

۱. سنجش فرسودگی والدینی^۱

این مقیاس در ۲۳ گویه توسط رزکام و همکاران (۲۰۱۷) برای ارزیابی میزان فرسودگی والدین از وظایف فرزندپروری در چهار خرده‌مقیاس شامل خستگی مفرط، تقابل خود والدینی با والدگری در گذشته، فاصله هیجانی از فرزندان و بی‌زاری از نقش والدگری با اقتباس از مقیاس فرسودگی شغلی مزلچ در طیف لیکرت هفت درجه‌ای از هرگز (۰) تا

1. Parental Burnout Assessment (PBA)

همیشه (۶) ساخته شد. مقیاس نمره‌گذاری معکوس ندارد. محدوده نمرات پاسخگو در کل مقیاس بین ۰ تا ۱۳۸ است، بالاترین نمره در این مقیاس، حاکی از فرسودگی بالای والدین و نمرات کم‌تر حاکی از فرسودگی پایین از مسئولیت‌های فرزندپروری است. نمونه‌ای از گویه‌های این مقیاس عبارت‌اند از: «اصلاً برای مراقبت از فرزند (ان)م انرژی ندارم»، «به خودم می‌گویم دیگر آن پدرامادری که بودم نیستم». مطالعه اعتباریابی اولیه این مقیاس توسط رزکام و همکاران (۲۰۱۸) با نمونه‌ای از ۹۰۱ والد فرانسوی و انگلیسی زبان نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل ابزار ۰٫۹۶ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰٫۸۱ تا ۰٫۹۳ است، در بررسی روایی همگرا، این مقیاس همبستگی مثبت و معناداری با روان‌رنجوری ($r=0,47$)، بی‌سازمانی خانواده ($r=0,53$) و فرسودگی شغلی ($r=0,42$) نشان داد. موسوی و همکاران (۲۰۲۰) نسخه فارسی این مقیاس را بر روی ۴۴۸ والد ایرانی اعتباریابی کرده و پایایی آن را ۰/۸۲ گزارش نمودند. پایایی همگرای آن با شاخص ۵ سؤالی بهزیستی سازمان بهداشت جهانی و مقیاس رضایت زناشویی کانزاس به ترتیب ۰/۲۸- و ۰/۳۱- گزارش شد. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۸ محاسبه شد.

۲. پرسشنامه سلامت بیمار^۱

این مقیاس خوداظهاری از ابزارهای تشخیصی PRIME-MD برای اختلالات روانی رایج است که در ۹ گویه توسط کروئنک^۲ و همکاران (۲۰۰۱) در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) به عنوان معیاری کوتاه برای ارزیابی شدت افسردگی افراد ساخته شده است. اعتبار سازه این مقیاس، با استفاده از پرسشنامه کوتاه سلامت عمومی ۲۰ سؤالی، روزهای بیماری و ویژگی‌های کلینیکی گزارش شده توسط خود بیمار و مشکلات مرتبط با علائم ارزیابی شد و به عنوان معیاری معتبر و استاندارد در

1. The Patient Health Questionnaire PHQ-9)

2. Kroenke

غریبالگری بیماران با علائم افسردگی شناخته شد و ارزش بالینی و تحقیقاتی دارد (کروئیک و همکاران، ۲۰۰۱). محدوده نمرات این مقیاس بین ۹ تا ۴۵ است، نمرات بالاتر در این مقیاس حاکی از افسردگی شدید و نمرات پایین تر نشان از افسردگی خفیف تا متوسط دارد. در مطالعه سازندگان مقیاس (۲۰۰۱) ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و پایایی بازآزمایی پس از ۴۸ ساعت ۰/۸۴ گزارش شد. روایی همگرایی آن با مقیاس سلامت عمومی همبستگی ۰/۷۳ و در نقطه برش $10 \leq$ ، حساسیت و ویژگی تشخیصی آن ۰/۸۸ به دست آمد. نسخه فارسی این مقیاس در پژوهش فراهی و همکاران (۲۰۲۱) اعتباریابی شد و همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۸۷ محاسبه شد. همچنین روایی همگرایی آن با مقیاس افسردگی بک ۰/۷۷، و روایی واگرایی آن با مقیاس عاطفه مثبت PANAS، ۰/۴۵ گزارش شد. برخی گویه های آن عبارت اند از: «در طول ماه گذشته، چند وقت یک بار از مشکلات زیر رنج برده اید؟» «علاقه یا لذت کم از انجام کارها»، «احساس افسردگی، ناامیدی یا دلسردی». در این مطالعه، پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه شد.

۳. مقیاس روان رنجورخویی

این خرده مقیاس از مقیاس ۱۰ گویه های پنج عامل شخصیتی گاسلینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) اقتباس شده و در طیف لیکرت پنج درجه ای کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) تنظیم شده است. یک گویه از آن، به صورت معکوس نمره گذاری می شود. نمرات بیش تر به معنای بالا بودن بی ثباتی هیجانی در فرد و نمرات کم تر، حاکی از ثبات هیجانی فرد است. در پژوهش سازندگان آن (۲۰۰۳) همبستگی تفکیکی این مقیاس ۰/۱۹ و روایی همگرایی آن با مقیاس پنج عامل شخصیتی بزرگ ۰/۶۹ گزارش شده است، پایایی این خرده مقیاس، با استفاده از روش بازآزمایی در سه مطالعه بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۳ و پایایی آن به روش همسانی درونی ۰/۷۳ گزارش شده است (گاسلینگ و همکاران، ۲۰۰۳). نمونه

گویه‌های آن عبارت‌اند از: «خودم را مضطرب می‌بینم و به راحتی ناراحت می‌شوم». یا «خودم را آرام و ازنظر عاطفی پایدار می‌بینم». در ایران، خداپرست (۲۰۱۴) این مقیاس را در جمعیت بالینی و غیربالینی اعتباریابی نمود. و با تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های برازش مناسب (خی دو = ۰/۶۶، GFI = ۰/۹۶، RMSEA = ۰/۰۷) آن را گزارش نمود. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۶۷ محاسبه شد.

۴. طرد والدینی

این سازه با خرده‌مقیاس طرد تمایزناپذیر^۱ در چهار گویه در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از اصلاً شبیه من نیست (۱) تا دقیقاً شبیه من است (۵) برگرفته از پرسشنامه پذیرش-طرد والدین^۲ روهنر و علی^۳ (۲۰۲۰) توسط رزکام و همکاران (۲۰۲۴) جهت ارزیابی ادراک والدین از طرد فرزندانشان در این مطالعه استفاده شده است. دامنه نمرات بین ۴ تا ۲۰ است، نمرات بالاتر حاکی از احساس برجسته‌تر طرد فرزندان توسط والدین است و نمرات پایین حاکی از پذیرش فرزندان توسط والدین است. طرد تمایزناپذیر به احساسات والدین نسبت به فرزندانشان اشاره دارد که والدین واقعاً آن‌ها را دوست ندارند، آن‌ها را نمی‌خواهند، از آن‌ها قدردانی نمی‌کنند یا به روش دیگری به آن‌ها اهمیت نمی‌دهند، بدون اینکه لزوماً هیچ نشانه عینی وجود داشته باشد که نشان دهد والدین سرد، پرخاشگر یا بی‌توجه هستند. ضریب آلفای این مقیاس با تقریباً ۱۵۰۰ نمونه یونانی، بلغاری و ترکیه‌ای از ۰/۷۱ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (روهنر و علی، ۲۰۲۰)، همچنین نتایج بازآزمایی آن در پژوهش روهنر و خالقی^۴ (۲۰۰۵) ۰/۶۲ گزارش شده است. در مطالعه فراتحلیل خالقی و روهنر (۲۰۱۲) همبستگی‌های بالایی در دامنه ۰/۵۰ تا

1. undiffer-entiated rejection

2. Parental Acceptance-Rejection Questionnaire (PARQ)

3. Rohner & Ali

4. Rohner & Khaleque

۰/۷۰ بین نمره این مقیاس با نمرات پرسشنامه سنجش شخصیت^۱ گزارش شده است. نسخهٔ فارسی این مقیاس در پژوهش سیدموسوی و همکاران (۲۰۱۶) اعتباریابی شد و نتایج تحلیل عاملی تأییدی آن نشان داد که از شاخص‌های مطلوب برازش برخوردار است (خی دو = ۱۸۸۰، $GFI = ۰/۹۲$ ، $RMSEA = ۰/۰۴$). روایی همگرای آن با شاخص‌های عدم‌سازگاری روان‌شناختی در مادران در دامنه‌ای از ۰/۱۹ تا ۰/۳۷ و در پدران در دامنه‌ای از ۰/۳۸ تا ۰/۷۷ گزارش شده است (سیدموسوی و همکاران، ۲۰۱۶). نمونه‌ای از گویه‌های آن عبارت‌اند از: «از بچه‌هایم بدم می‌آید» و «به فرزندانم می‌فهمانم که خواستنی نیستند». پایایی این مقیاس توسط روهنر و علی (۲۰۲۰)، ۰/۸۴ گزارش شده است. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ محاسبه شد.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به دست آمده و آزمون فرض‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS27 و افزونه PROCESS ۷۴/۳ از روش‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون میانجی) استفاده شد.

یافته‌ها

در بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، در مجموع ۲۰۶ والد (بیش‌تر ساکن تهران) مشتمل بر ۱۲۷ مادر (با میانگین سنی ۳۹/۹۱ و انحراف استاندارد ۴/۹۸ در دامنهٔ سنی ۴۷-۲۱ سال) و ۷۹ پدر (با میانگین سنی ۴۰/۹۲ و انحراف استاندارد ۴/۷۶ در دامنهٔ سنی ۴۷-۲۵ سال) در مطالعه شرکت داشتند، تعداد فرزندان تحت مراقبت شرکت‌کنندگان پژوهش بین ۱ تا ۴ بود. ۱۸۹ نفر به صورت دو والدی، ۱۷ نفر به صورت تک والدی از فرزندان خود مراقبت می‌کردند.

برای بررسی اثرات میانجی بین متغیرها از مدل ۴ افزونه PROCESS ۷۴/۳ (هایز^۱، ۲۰۱۷) استفاده شد. در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱ افسردگی	-			
۲ روان رنجورخویی	۰/۴۶**	-		
۳ فرسودگی والدینی	۰/۴۲**	۰/۳۲**	-	
۴ طرد فرزندان	۰/۲۷**	۰/۱۷*	۰/۶۸**	-
میانگین	۱۷/۶۳	۴/۳۵	۱۳/۰۸	۴/۱۳
انحراف استاندارد	۶/۴	۲/۰۲	۱۹/۳۹	۰/۷

** $p = ۰/۰۱$

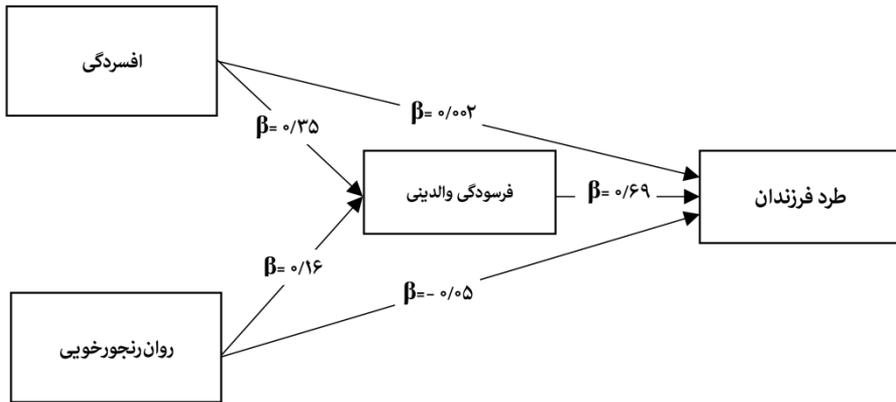
چنانچه از جدول ۱ مشاهده می‌شود بین افسردگی با فرسودگی والدینی ($p < ۰/۰۱$)، $r = ۰/۴۲$ و بین افسردگی با طرد فرزندان ($p < ۰/۰۱$)، $r = ۰/۲۷$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین بین فرسودگی والدینی و طرد والدین رابطه مثبت و معنادار ($p < ۰/۰۱$)، $r = ۰/۳۲$ و بین فرسودگی والدینی و روان رنجورخویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r = ۰/۶۸$) و همچنین رابطه بین روان رنجورخویی و طرد والدین رابطه مثبت و معناداری مشاهده نشد ($r = ۰/۱۷$ ، $p < ۰/۰۵$).

به منظور بررسی نقش میانجی فرسودگی والدینی در رابطه بین افسردگی، روان رنجورخویی و طرد فرزندان از مدل ۴ افزونه PROCESS ۷۴/۳ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ و شکل ۱ ارائه شده است. معنی داری اثر غیرمستقیم، با استفاده از روش خودگردانی با ۵۰۰۰ بار نمونه گیری (بوت استراپ) و محاسبه فاصله اطمینان ۹۵ درصدی بررسی شد.

جدول ۲. نتایج تحلیل میانجی

طرد فرزندان			فرسودگی والدینی			متغیر
β	SE	b	β	SE	b	
۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰۲	۰/۳۵*	۰/۲۲	۱/۰۶	افسردگی
-۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۱۶*	۰/۶۹	۱/۵۰	روان رنجورخویی
۰/۶۹*	۰/۰۰۲	۰/۰۲۵	-	-	-	فرسودگی والدینی
۰/۴۶			۰/۱۹			R²
۵۵/۲۹			۲۴/۵۸*			F

نتایج نشان داد اثر کلی روان رنجورخویی بر طرد فرزندان ($\beta=۰/۰۲$, $p>۰/۰۵$) معنادار نیست، اما اثر کلی افسردگی بر طرد فرزندان ($\beta=۰/۰۳$, $p<۰/۰۰۱$) معنادار است. چنانچه از جدول ۲ مشاهده می شود روان رنجورخویی ($\beta=۰/۱۶$, $p<۰/۰۱$) و افسردگی اثر معناداری بر فرسودگی والدینی دارد ($\beta=۰/۳۵$, $p<۰/۰۱$). اثر فرسودگی بر طرد والدینی نیز معنادار است ($\beta=۰/۶۹$, $p<۰/۰۱$). اما اثر مستقیم روان رنجورخویی ($\beta=-۰/۰۵$, $p>۰/۰۵$) و اثر مستقیم افسردگی ($\beta=۰/۰۰۲$, $p>۰/۰۵$) بر طرد فرزندان در شرایطی که متغیر میانجی فرسودگی ثابت نگه داشته شده باشد، از لحاظ آماری معنادار نیست.



شکل ۱. نقش میانجی فرسودگی در رابطه بین افسردگی، روان رنجورخویی و طرد فرزندان

جدول ۳. اثرات غیرمستقیم افسردگی و روان رنجورخویی بر طرد فرزندان

ULCI	LLCI	β	SE	b	
0/05	0/006	0/24*	0/011	0/03	افسردگی ← فرسودگی ← طرد فرزندان
0/07	0/005	0/11*	0/02	0/04	روان رنجورخویی ← فرسودگی ← طرد فرزندان

نتایج جدول ۳ در بررسی نقش واسطه‌ای فرسودگی والدینی در رابطه بین افسردگی و روان رنجورخویی با طرد فرزندان نشان داد که افسردگی از طریق بالابردن نمرات فرسودگی در والدین شرایط طرد فرزندان را در والدین افزایش می‌دهد ($\beta=0/24$, CI [0/006, 0/05], $p=0/95$). همچنین نقش واسطه‌ای فرسودگی والدینی در رابطه بین روان رنجورخویی و طرد فرزندان نشان داد که روان رنجورخویی با زمینه‌سازی فرسودگی در والدین شرایط طرد فرزندان را در والدین فراهم می‌سازد ($\beta=0/11$, CI [0/005, 0/07], $p=0/95$). بدین ترتیب مشاهده می‌شود که اثر میانجی فرسودگی در رابطه بین افسردگی با طرد فرزندان میانجی جزئی و اثر میانجی فرسودگی در رابطه بین روان رنجورخویی و طرد فرزندان میانجی کامل است.

بحث و نتیجه گیری

کودکان ذاتاً و قویاً خودمحور هستند، و از این حیث همه پدیده‌ها و واقعیات پیرامون را در رابطه با خود تفسیر می‌کنند. فرزندان‌انی که هیچ‌گونه تجربه‌ی اساسی در زندگی ندارند، زمانی که با واکنش طرد توسط والدین مواجه می‌شوند، خود را در دریافت چنین پاسخی از سوی والدین مقصر می‌پندارند. چنین ادراکی از افراد مهم زندگی اثرات فوری و بلندمدت نامطلوبی در زندگی فردی و اجتماعی فرزندان دارد و همان‌گونه در سطور پیش گفته شد این فرزندان به مرور زمان با علائم درد عاطفی، احساس تنهایی، عزت نفس پایین، و افت در عملکردهای فردی و آموزشی و... دست به‌گریبان می‌شوند. این مطالعه که باهدف بررسی رابطه‌ی واکنش طرد فرزندان در والدین با ویژگی‌ی شخصیتی روان رنجورخویی و ویژگی‌ی خلقی افسردگی و اثر واسطه‌ای فوسودگی در این رابطه در والدین ایرانی مورد بررسی قرار گرفت، نشان داد بین روان رنجورخویی با طرد رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد، این یافته با نتایج مطالعاتی چون یزدخواستی و قاسمی (۱۳۸۹) همسوست که نشان داد والدین به‌ویژه پدران دارای ویژگی‌های شخصیتی روان رنجور، طردکننده نیز هستند و واکنشی پذیرنده نسبت به فرزندان نشان ندارند، مطالعه‌ی صادقی و همکاران (۱۳۹۲) نیز حاکی از پیش‌بین‌کنندگی طرد بالا برای روان رنجورخویی بالا در مادران بود. ویژگی‌ی شخصیتی نحوه‌ی ادراک و تفسیر فرد از دنیای پیرامون را شکل می‌دهد، افراد با صفت روان رنجورخویی به‌عنوان یک صفت انعطاف‌ناپذیر، قادر به انطباق واکنش‌های خود با تقاضاهای محیطی نیستند و گاه در مقابل چالش‌های زندگی ناسازگارترین واکنش‌های هیجانی را ابراز می‌کنند.

این مطالعه نشان داد بین افسردگی و طرد فرزندان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات (ژو و همکاران، ۲۰۲۰؛ مک و همکاران، ۲۰۲۰؛ ارکسا و همکاران، ۲۰۲۱؛ داچئو و همکاران، ۲۰۲۳) همسوست. افسردگی والدین می‌تواند به اشکال مختلفی

منجر به طرد فرزندان شود. این امر به دلیل تأثیرات عاطفی، رفتاری و شناختی افسردگی بر والدین و در نتیجه نحوه تعامل آن‌ها با فرزندان است. افسردگی می‌تواند باعث شود والدین از نظر عاطفی در دسترس نباشند، نسبت به نیازهای فرزندان بی‌تفاوت باشند، یا حتی به طور فعال از آن‌ها دوری کنند که این امر می‌تواند منجر به احساس طرد و نادیده گرفته شدن در فرزندان شود. همان‌طور که سوفرونا و جیاناکوپولوس (۲۰۲۴)؛ ماریسی^۱ و همکاران، (۲۰۲۳) نیز نشان دادند والدین مبتلا به افسردگی ممکن است سطوح بالاتری از انتقاد، تنبیه و گرمی کم نسبت به فرزندان خود نشان دهند، چنین رفتارهای فرزندپروری می‌تواند حس طرد ایجاد کند و حس ایمنی و امنیت کودک را تضعیف کند. والدین افسرده که در تنظیم عواطف و هیجانات خود مشکل دارند، کمتر به نیازهای عاطفی فرزندان خود پاسخ‌گو بوده، این امر رشد دلبستگی ایمن را در فرزندان مختل کرده و وی را از دریافت احساس امنیت و دوست داشته شدن از سوی والدین نامطمئن می‌سازد، یو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز بر این امر تأکید داشتند که رابطه بین افسردگی والدین و طرد کودک اغلب فرایندی دوطرفه است، به این معنی که افسردگی والدین می‌تواند منجر به طرد فرزند شود و طرد فرزند نیز می‌تواند افسردگی والدین را تشدید کند و منجر به ایجاد یک چرخه چالش برانگیز شده که در آن هم والدین و هم کودک با مشکلات عاطفی و ارتباطی دست و پنجه نرم می‌کنند.

نتایج این مطالعه همچنین حاکی از معناداری روان‌رنجورخویی و فرسودگی در والدین بود که با نتایج مطالعات میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸b؛ پیوتروسکی و همکاران، ۲۰۲۳؛ غلامی حسنارودی و همکاران، ۱۴۰۲؛ وانگ و همکاران، ۲۰۲۳؛ لی ویگورکس و همکاران، ۲۰۱۷؛ لی ویگورکس و اسکولا، ۲۰۱۸؛ سوسنواسکا^۳ و همکاران،

1. Marici
2. Yu
3. Sosnowska

۲۰۱۹) همسوست. همسو با این مطالعات می‌توان گفت افراد در واکنش به موقعیت‌های پیرامون خود در زندگی، به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها مطابقت دارد، افراد روان‌رنجور موقعیت‌ها را استرس‌زاتر از افراد غیرروان‌رنجور ادراک می‌کنند و از راهبردهای مقابله‌ای متفاوت‌تر و احتمالاً مبتنی بر هیجان برای واکنش به آن‌ها بهره می‌گیرند. بر اساس خط پایه یا نیم‌رخ روانی شخصیت می‌توان این‌گونه استدلال کرد که افراد دارای خط پایه روان‌رنجورخویی بالا، در حضور تأثیرات موقعیتی که باعث نوسانات لحظه‌ای از این خط پایه، تمایل دارند پس از مدت زمان معینی به این حالت بسیار روان‌رنجور برگردند. بولگر و شیلینگ (۱۹۹۱؛ اشنايدر، ۲۰۰۴) نیز تأیید کردند که روان‌رنجورخویی صفتی نسبتاً پایدار با گرایش به اتخاذ دیدگاه منفی به جهان و دیدن محیط به عنوان تهدید و کاهش منابع لازم برای مقابله مؤثر با موقعیت‌هاست، از این رو، این افراد تمایل دارند موقعیت‌هایی را انتخاب کنند که با شخصیت‌شان همخوانی داشته و بنابراین درنهایت با رویدادهای استرس‌زا مواجهه منفی‌تری دارند؛ از آنجایی که افراد بسیار روان‌رنجور با افزایش حساسیت به استرس شناخته می‌شوند، بنابراین نسبت به افرادی که دچار روان‌رنجورخویی ضعیفی هستند، بیشتر مستعد محرک‌های منفی هستند و در شرایط دارای ظرفیت تنش‌زایی چون بستر والدگری احساس خستگی بیش‌تری نموده و فرسایش روانی بالاتری را گزارش می‌کنند؛ مقابله با رویدادهای استرس‌زا برای افراد روان‌رنجور دشوارتر است، از این رو، آن‌ها تمایل دارند از راهبردهای مقابله‌ای غیرمؤثری مانند اجتناب از موقعیت و پرت کردن، انکار، انتقاد از خود استفاده کنند که عامل مهم دیگری برای تخلیه انرژی آن‌ها به شمار می‌آید.

نتایج این پژوهش نشان داد رابطه بین افسردگی با فرسودگی والدینی نیز معنادار است. این یافته با نتایج مطالعات آبرامسون (۲۰۲۱؛ گاولیک و همکاران، ۲۰۲۵؛ سوفرونا و

جیاناکوپولوس، ۲۰۲۴) همسوست. افسردگی قادر است منابع عاطفی والدین را کاهش داده و مقابله با عوامل استرس‌زای والدینی را دشوارتر کند و به تدریج منجر به فرسودگی شود. این امر می‌تواند منجر به چرخه‌ای شود که در آن افسردگی آسیب‌پذیری در برابر فرسودگی را افزایش داده و فرسودگی نیز به نوبه خود علائم افسردگی را تشدید کند (یاکوپووا و سوارز^۱، ۲۰۲۳). افسردگی می‌تواند با کاستن از انرژی عاطفی و روانی و انگیزه والدین تعامل با فرزندان را دشوار نموده، توانایی والدین را در مقابله با استرس کاهش دهد و مدیریت خواسته‌های فرزندپروری را دشوارتر کند.

مطالعه حاضر نشان داد رابطه فرسودگی والدینی با طرد فرزندان در والدین شرکت‌کننده معنادار است، این یافته با نتایج مطالعاتی چون میکولایچک و همکاران (۲۰۱۸a، سانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ جونز و پرینز، ۲۰۰۵؛ شی و کوین، ۲۰۱۱) همسوست. فرسودگی طی مراحل متوالی تکامل پیدا می‌کند، از تغییرات فردی در علائم استرس آغاز می‌شود، و در پی آن، فشار بیش‌ازحد وظایف فرزندپروری به اوج خود رسیده و علائمی از خستگی و فرسایش را تا رسیدن به حالتی از بی‌زاری از نقش والدینی، تهی شدن از انرژی و فاصله عاطفی از فرزند را در والدین ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که این فاصله‌گیری تنها به جدایی عاطفی از کودک محدود نمی‌شود، بلکه به فاصله گرفتن از دیگران و خود به عنوان والدین و کناره‌گیری فیزیکی از موقعیت گسترش می‌یابد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد اجتناب از مواجهه با فرزندان، و کنار گذاشتن آن‌ها واکنشی طبیعی برای والدین فرسوده باشد، واکنشی که طی آن فرزندان احساس طردشدگی کرده، و احساس می‌کنند در نظر والدین خود خواستنی و محبوب نیستند. والدین فرسوده ممکن است از نظر عاطفی و هیجانی تهی شده، کمتر به نیازهای فرزندان پاسخ دهند و حتی ممکن است رفتارهای غفلت‌آمیز یا پرخاشگرانه از خود نشان دهند، همه این موارد می‌تواند

به عنوان طرد توسط کودک تلقی شود. این می‌تواند به صورت عدم دسترسی عاطفی، کاهش تعاملات مثبت و افزایش تعاملات منفی یا انتقادی بروز کند (یوان^۱ و همکاران، ۲۰۲۲)، در موارد شدیدتر، فرسودگی والدین می‌تواند منجر به غفلت از فرزند و نادیده گرفتن نیازهای طبیعی فرزندان شود، جایی که والدین در برآورده کردن نیازهای اساسی فرزندان خود برای مراقبت و توجه شکست می‌خورند. والدین فرسوده ممکن است پرخاشگری روانی مانند توهین‌های کلامی، انتقاد یا دست‌کاری عاطفی را نیز نشان دهند، رفتارهایی که احساس بی‌ارزشی، دوست داشته نشدن و طردشدگی را به فرزندان القا و آن را تقویت می‌کند (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸).

در بررسی اثر واسطه‌ای فرسودگی والدینی در رابطه بین روان رنجورخویی و طرد فرزندان، نتایج این مطالعه نشان داد ویژگی شخصیتی روان رنجورخویی با افزایش فرسودگی در والدین به ابراز واکنش‌های طردکننده در والدین نسبت به فرزندان می‌انجامد. اگرچه مطالعاتی در بررسی اثر واسطه‌ای فرسودگی در رابطه بین دو سازه یادشده مشاهده نشد، در تبیین این یافته می‌توان به اثر علائم بی‌ثباتی هیجانی و روان رنجوری بر خستگی والدین از وظایف فرزندپروری اشاره نمود، والدینی که همواره از احساسات منفی چون اضطراب، نگرانی، خشم، بدبینی و احساس گناه شکایت می‌کنند و نسبت به عوامل استرس‌زا واکنش‌های فاجعه‌آمیزتری نشان می‌دهند، به احتمال زیاد در انجام مسئولیت‌های بی‌وقفه، روزمره و بی‌انتهای فرزندپروری زودتر احساس خستگی کرده، و بیش‌تر از والدین دیگر، پاسخ‌های ناسازگارانه به موقعیت‌های استرس‌آور فرزندپروری می‌دهند. این دسته از والدین، از نظر عاطفی ناپایدارتر بوده، در موقعیت‌های طبیعی روزمره تجربه نوسان‌داری از احساسات منفی از خود بروز می‌دهند و غالباً توانایی مقابله‌ای ضعیفی در شرایط استرس‌زا از خود نشان می‌دهند. از آنجایی که

فرزندپروری و سروکارداشتن روزانه با فرزندان تجربه چالش‌انگیزی برای والدین است، همان‌گونه که میکولایچک و همکاران (۲۰۱۸a)؛ سانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ جونز و پرینز، ۲۰۰۵؛ شی و کوین، ۲۰۱۱) نیز نشان دادند افراد روان‌رنجور توان مواجهه پایین‌تر و ضعیف‌تری با این شرایط دارند، لذا سریع‌تر احساس خستگی می‌کنند و به نظر می‌رسد با افزایش خستگی و فرسایش ناشی از این مسئولیت‌ها واکنش‌های منفی بیش‌تری به فرزندان نشان دهند، واکنش‌هایی که با طرد فرزندان و اظهار نفرت و کراهت نسبت به آن‌ها همراه است.

در بررسی اثر واسطه‌ای فرسودگی والدینی در رابطه بین افسردگی و طرد فرزندان، نتایج این مطالعه نشان داد افسردگی در والدین با افزایش خطر فرسودگی، موجبات طرد فرزندان را برای آن‌ها فراهم می‌سازد. همان‌گونه که در پژوهش‌های مختلف (آبرامسون، ۲۰۲۱؛ گاولیک و همکاران، ۲۰۲۵؛ سوفرونا و جیاناکوپولوس، ۲۰۲۴) نشان داده شد افسردگی با کاستن از انرژی عاطفی والدین، شرایط روانی مشابه با فرسودگی والدینی را ایجاد می‌کند، والدینی که از انرژی روانی برای ادامه مسئولیت‌های فرزندان تهی شدند، و در انجام وظایف والدگری نقش‌اتو پایلوت برای خود قائل‌اند، و صرفاً به امور حداقلی بسنده می‌کنند نه بیش‌تر، این والدین از این‌که یک روز دیگر باید با چالش‌های فرزندان مواجه شوند، احساس خستگی مفرط دارند و ترجیح می‌دهند در حالتی از بی‌کنشی به سر برند و نیازهای فرزندان را نادیده گرفته و یا از ارضای آن‌ها فرار می‌کنند، چنین شرایطی زمینه‌ساز سوءرفتار با کودکان شده، رفتارهایی چون طرد فرزندان و غفلت را برای والدین فراهم می‌کند، و همان‌گونه که مطالعات یادشده نیز نشان دادند این رفتارها احساس بی‌ارزشی و موردعلاقه نبودن را در فرزندان تقویت می‌کند.

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر که نقش واسطه‌ای فرسودگی والدینی را در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و خلقی والدین با طرد فرزندان تأیید می‌کند، پیشنهاد

می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از طرح‌های آمیخته (کیفی - کمی) یا طولی، به بررسی عمیق‌تر سازوکارهای این رابطه و شناسایی سایر متغیرهای واسطه و تعدیل‌کننده (مانند حمایت اجتماعی، تاب‌آوری و سبک‌های مقابله‌ای) در نمونه‌های متنوع فرهنگی و اجتماعی بپردازند. همچنین، توسعه و اعتباربخشی مداخلات آموزشی و درمانی مختص والدین بر اساس این یافته‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در سطح کاربردی، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند برای والدین در جهت افزایش آگاهی از تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات خلقی بر فرزندپروری، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، مدیریت استرس و رفتارهای والدگری پاسخگو و مثبت، و نیز توانمندسازی متخصصان سلامت روان (مشاوران، روان‌شناسان) برای غربالگری به موقع، ارجاع مناسب و به‌کارگیری مداخلات مؤثر در حوزه فرسودگی و طرد والدینی می‌تواند به شکستن چرخه معیوب طرد و ارتقای سلامت روابط والد-فرزند و بهزیستی روان‌شناختی هر دو نسل بینجامد.

ملاحظات اخلاقی: این مطالعه، در شورای پژوهشی دانشگاه الزهراء^(س) به شماره ۴/۳/۳۱۰ در سال ۱۴۰۴ مصوب شده است. تمامی اصول اخلاقی پژوهش اعم از کسب رضایت شرکت‌کنندگان و دادن اطمینان از محرمانگی اطلاعات شرکت‌کنندگان در این مطالعه مطابق با اعلامیه هلسینکی ۱۹۶۴ رعایت شده است.

مشارکت نویسندگان: نویسنده مسئول، تمامی مراحل پژوهش اعم از طراحی مطالعه، اجرا، تحلیل آماری و تهیه پیش‌نویس و اصلاح مقاله را عهده‌دار بوده است.

تعارض منافع: نویسنده اذعان دارد که هیچ‌گونه تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

تشکر و قدردانی: از کلیه والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر قدردانی می‌نماید.

منابع

- سیدموسوی، پریسا سادات؛ مظاهری، محمدعلی؛ قنبری سعید. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه‌های پذیرش و طرد والدین و شریک صمیمی در دانشجویان. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۲۱ (۴): ۳۳۷-۳۲۷.
<http://ijpcp.iums.ac.ir/article-2526-1-fa.html>
- صادقی، راضیه، مهربانی زاده هنرمند، مهناز، و ارشدی، نسرين. (۱۳۹۲). رابطه طرد و پذیرش مادر با ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان. یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۸ (۲۸)، ۱-۱۵.
https://journals.iau.ir/article_530911_0612b9cd788a3c5c08f2f56d149aca94.pdf
- غلامی حسارودی، مطهره، فاتحی، نازنین، موسوی، سیده فاطمه. (۱۴۰۲). نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان در رابطه بین صفات شخصیتی روان‌رنجورخویی و وظیفه‌شناسی با فرسودگی والدینی در مادران شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۲۲ (۱۰)، ۱۰۱۹-۱۰۳۶.
 DOI: <http://journal.rums.ac.ir/article-7046-1-fa.html.jrums.22.10.1019/10.61186>
- بزدخواستی، فریبا، و قاسمی، سحر. (۱۳۸۹). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آن‌ها. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۷ (۱۲)، ۱۳۱-۱۴۴. DOI: 10.22111/jeps.2010.720.
https://jeps.usb.ac.ir/article_720.html
- Abramson, A. (2021). The impact of parental burnout. *Monitor on Psychology*, 52 (7), 36. <https://www.apa.org/monitor/2021/10/cover-parental-burnout>.
- American Psychology Association. (2018). *parental rejection*. Dictionary of Psychology.
- Berthelon, M., Contreras, D., Kruger, D., & Palma, M. I. (2020). Harsh parenting during early childhood and child development. *Economics & Human Biology*, 36, 100831. DOI: 10.1016/j.ehb.2019.100831.
- Bolger, N., & Schilling, E. A. (1991). Personality and the problems of everyday life: The role of neuroticism in exposure and reactivity to daily stressors. *Journal of personality*, 59 (3), 355-386. Doi: 10.1111/j.1467-6494.1991.tb00253.x
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger*. Basic Books.
- Caresle, J. D. (2010). *Parental Rejection: Key Processes of Recovery from Non-Acceptance*. VDM Verlag.
- Chen C., Greenberger E., Lester J., Dong Q., Guo M. S. (1998). A cross-cultural study of family and peer correlates of adolescent misconduct. *Developmental Psychology*, 34, 770-781. Doi: 10.1037//0012-1649.34.4.770
- Dachew, B., Ayano, G., Duko, B., Lawrence, B., Betts, K., & Alati, R. (2023). Paternal depression and risk of depression among offspring: a systematic review and meta-analysis. *JAMA network open*, 6 (8), e2329159-e2329159. Doi: 10.1001/jamanetworkopen.2023.29159

- Erkman F., Rohner R. P. (2006). Youth's perceptions of corporal punishment, parental acceptance, and psychological adjustment in a Turkish metropolis. *Cross-Cultural Research*, 40, 250-267. [Doi: 10.1177/1069397106287924](https://doi.org/10.1177/1069397106287924)
- Farrahi H, Gharraee B, Oghabian M A, Zare R, Pirmoradi M R, & Najibi S M et al. (2021). Psychometric Properties of the Persian Version of Patient Health Questionnaire-9. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*; 27 (2): 248-263. [Doi: 10.32598/ijpcp.27.2.3375.1](https://doi.org/10.32598/ijpcp.27.2.3375.1)
- Gawlik, K. S., Melnyk, B. M., & Tan, A. (2025). Burnout and mental health in working parents: Risk factors and practice implications. *Journal of Pediatric Health Care*, 39 (1), 41-50. [Doi: 10.1016/j.pedhc.2024.07.014](https://doi.org/10.1016/j.pedhc.2024.07.014)
- Gholami Hosnaroudi M, Fatehi N, Mousavi S F. (2024). The Mediating Role of Emotion Regulation in the Relationship between the Personality Traits of Neuroticism and Conscientiousness and Parental Burnout in Mothers of Tehran City during 2022-2023: A Descriptive Study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*; 22 (10): 1019-1036. [Doi: 10.61186/jrums.22.10.1019 \(In Persian\)](https://doi.org/10.61186/jrums.22.10.1019)
- Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., & Swann Jr, W. B. (2003). A very brief measure of the Big-Five personality domains. *Journal of Research in personality*, 37 (6), 504-528. [Doi: 10.1016/S0092-6566\(03\)00046-1](https://doi.org/10.1016/S0092-6566(03)00046-1)
- Gracia, E., Lila, M., & Musitu, G. (2005). Parental rejection and psychosocial adjustment of children. *Salud Mental*, 28 (2), 73-81. <https://www.medigraphic.com/cgi-bin/new/resumenI.cgi?IDARTICULO=6724>
- Hayes, A. F. (2017). *Introduction to mediation, moderation, and conditional process analysis: A regression-based approach*. Guilford publications
- Heppner, P. P., Cook, S. W., Wright, D. M., & Johnson, W. C. (1995). Progress in resolving problems: A problem-focused style of coping. *Journal of Counseling Psychology*, 42 (3), 279. [Doi: 10.1037/0022-0167.42.3.279](https://doi.org/10.1037/0022-0167.42.3.279)
- Iosim, I., Runcan, P., Runcan, R., Jomiru, C., & Gavrilă-Ardelean, M. (2022). The impact of parental external labour migration on the social sustainability of the next generation in developing countries. *Sustainability*, 14 (8), 4616. [Doi: 10.3390/su14084616](https://doi.org/10.3390/su14084616)
- Jones, T. L., & Prinz, R. J. (2005). Potential roles of parental self-efficacy in parent and child adjustment: A review. *Clinical Psychology Review*, 25 (3), 341-363. [Doi: 10.1016/j.cpr.2004.12.004](https://doi.org/10.1016/j.cpr.2004.12.004)
- Kandler, C., Held, L., Kroll, C., Bergeler, A., Riemann, R., & Angleitner, A. (2012). Genetic links between temperamental traits of the Regulatory Theory of Temperament and the Big Five. *Journal of Individual Differences*. [Doi: 10.1027/1614-0001/a000068](https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000068)
- Khaleque, A., & Rohner, R. P. (2012). Transcultural relations between perceived parental acceptance and personality dispositions of children and adults: A meta-analytic review. *Personality and Social Psychology Review*, 16 (2), 103-115. <https://doi.org/10.1177/1088868311418986>

- Khodaparast A. (2014). *Examining the ability of TIPI in determining and distinguishing characteristics and factors of personality in non-clinical samples*. Tehran, Human Faculty. Shahed University, 119-160. (In Persian)
- Kroenke, K., Spitzer, R. L., & Williams, J. B. (2001). The PHQ-9: validity of a brief depression severity measure. *Journal of General Internal Medicine*, 16 (9), 606-613. [Doi: 10.1046/j.1525-1497.2001.016009606.x](https://doi.org/10.1046/j.1525-1497.2001.016009606.x)
- Le Vigouroux, S. & Scola, C. (2018). Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *Frontiers in psychology*, 9, 887. [Doi: 10.3389/fpsyg.2018.00887](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00887)
- Le Vigouroux, S., Scola, C., Raes, M. E., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2017). The big five personality traits and parental burnout: Protective and risk factors. *Personality and Individual Differences*, 119, 216-219. [Doi: 10.1016/j.paid.2017.07.023](https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.07.023)
- Lorijn, S. J., Engels, M. C., Huisman, M., & Veenstra, R. (2022). Long-term effects of acceptance and rejection by parents and peers on educational attainment: A study from pre-adolescence to early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 51 (3), 540-555. [Doi: 10.1007/s10964-021-01506-z](https://doi.org/10.1007/s10964-021-01506-z)
- Maestripieri, D. (1999). The biology of human parenting: insights from nonhuman primates. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 23 (3), 411-422. [Doi: 10.1016/s0149-7634\(98\)00042-6](https://doi.org/10.1016/s0149-7634(98)00042-6)
- Mak, M. C. K., Yin, L., Li, M., Cheung, R. Y. H., & Oon, P. T. (2020). The relation between parenting stress and child behavior problems: Negative parenting styles as mediator. *Journal of Child and Family Studies*, 29 (11), 2993-3003. [Doi: 10.1007/s10826-020-01785-3](https://doi.org/10.1007/s10826-020-01785-3)
- Marici, M., Clipa, O., Runcan, R., & Pirghie, L. (2023). Is rejection, parental abandonment or neglect a trigger for higher perceived shame and guilt in adolescents?. In *Healthcare* (Vol. 11, No. 12, p. 1724). MDPI. [Doi: 10.3390/healthcare11121724](https://doi.org/10.3390/healthcare11121724)
- Mikolajczak, M., Brianda, A., & Roskam, I. (2018a). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child Abuse Neglect*. 80: 134-145. [10.1016/j.chiabu.2018.03.025](https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.03.025).
- Mikolajczak, M., Gross, J. J., Stinglhamber, F., LindahlNorberg, A., & Roskam, I. (2020). Is Parental burnout distinct from job burnout and depressive symptoms? *Clinical Psychological Science*, 8 (4), 673-689. [Doi: 10.1177/2167702620917447](https://doi.org/10.1177/2167702620917447)
- Mikolajczak, M., Raes, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (2018b). Exhausted parents: Sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family-functioning correlates of parental burnout. *Journal of Child and Family Studies*, 27, 602-614. [Doi: 10.1007/s10826-017-0892-4](https://doi.org/10.1007/s10826-017-0892-4)

- Mousavi, S. F., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2020). Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Directions for Child and Adolescent Development*, 2020 (174), 85-100. <https://doi.org/10.1002/cad.20369>
- Piotrowski, K., Bojanowska, A., Szczygieł, D., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2023). Parental burnout at different stages of parenthood: Links with temperament, Big Five traits, and parental identity. *Frontiers in Psychology*, 14, 1087977. [Doi: 10.3389/fpsyg.2023.1087977](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1087977)
- Pryce, C. R. (1992). A comparative systems model of the regulation of maternal motivation in mammals. *Animal Behaviour*, 43 (3), 417-441. [Doi: 10.1016/S0003-3472\(05\)80102-2](https://doi.org/10.1016/S0003-3472(05)80102-2)
- Rohner, R. P. (2016). Introduction to interpersonal acceptance-rejection theory (IPARTheory) and evidence. *Online Readings in Psychology and Culture*, 6 (1), 1-40. <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1055>
- Rohner, R.P., & Khaleque, A. (2005). *Personality Assessment Questionnaire (PAQ): Test manual*. In Rohner RP, Khaleque A, editors. *Handbook for the study of parental acceptance and rejection (4th ed.)*. Storrs, CT: Rohner Research Publications; 187-226. [Doi: 10.1007/978-3-319-28099-8_55-1](https://doi.org/10.1007/978-3-319-28099-8_55-1)
- Rohner, R. P. (1984). *Handbook for the study of parental acceptance and rejection: Measurement of parental acceptance-rejection and its social-emotional consequences*. Center for the Study of Parental Acceptance and Rejection, the University of Connecticut.
- Rohner, R. P., & Ali, S. (2020). Parental acceptance-rejection questionnaire (PARQ). *Encyclopedia of personality and individual differences*, 3425-3427. [Doi: 10.1007/978-3-319-28099-8_56-1](https://doi.org/10.1007/978-3-319-28099-8_56-1)
- Rohner, R. P., & Rohner, E. C. (1980). Antecedents and consequences of parental rejection: A theory of emotional abuse. *Child Abuse & Neglect*, 4 (3), 189-198. https://www.safetylit.org/citations/index.php?fuseaction=citations.viewdetails&citationIds%5B%5D=citiournalarticle_31691_23
- Rohner, R. P., Saavedra, J. M., & Granum, E. O. (1978). *Development and validation of the parental acceptance-rejection questionnaire: Test-manual*. American Psychologist. *JSAS Catalogue Selected Documents Psychology*, 8, 7-8.
- Roskam, I. & IIPB Consortium Members (2024). International Investigation of Parental Burnout III-Wave Project.
- Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in Psychology*, 9, 758. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00758>
- Roskam, I., Raes, M.-E., & Mikolajczak, M. (2017). Exhausted parents: Development and validation of the parental burnout inventory. *Frontiers in Psychology*, 8, 163. [Doi: 10.3389/fpsyg.2017.00163](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.00163)
- Sadeghi, R., Mehrabizadeh Honarmand, M., & Arshadi, N. (2013). The relationship between maternal rejection and acceptance and personality traits in students.

- New Findings in Psychology (Social Psychology)*, 8 (28), 1-15. [In Persian]
- Schneider, T. R. (2004). The role of neuroticism on psychological and physiological stress responses. *Journal of experimental social psychology*, 40 (6), 795-804.
[Doi: 10.1016/j.jesp.2004.04.005](https://doi.org/10.1016/j.jesp.2004.04.005)
- Schneider, T. R. (2004). The role of neuroticism on psychological and physiological stress responses. *Journal of experimental social psychology*, 40 (6), 795-804.
<https://doi.org/10.1016/j.jesp.2004.04.005>.
- Seyed Mousavi P S, Mazaheri M, & Ghanbari S. (2016). Psychometric Properties of Parental and Intimate Partner Acceptance-Rejection in Students. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 21 (4): 327-337
<http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2526-en.html> (In Persian)
- Shea, S. E., & Coyne, L. W. (2011). Maternal dysphoric mood, stress, and parenting practices in mothers of Head Start preschoolers: The role of experiential avoidance. *Child & Family Behavior Therapy*, 33 (3), 231-247.
[Doi: 10.1080/07317107.2011.596004](https://doi.org/10.1080/07317107.2011.596004)
- Sofrona E, & Giannakopoulos G. (2024). The Impact of Parental Depressive, Anxiety, and Stress Symptoms on Adolescents' Mental Health and Quality of Life: The Moderating Role of Parental Rejection. *Children (Basel)*. 9;11 (11): 1361.
[Doi: 10.3390/children11111361](https://doi.org/10.3390/children11111361).
- Song, T., Wang, W., Chen, S., & Li, Y. (2024). Mothers' parental burnout and adolescents' social adaptation and security: The mediating role of parenting style. *Current Psychology*, 43 (27), 23144-23155.
[Doi: 10.1007/s12144-024-06045-x](https://doi.org/10.1007/s12144-024-06045-x)
- Sosnowska, J., De Fruyt, F., & Hofmans, J. (2019). Relating neuroticism to emotional exhaustion: A dynamic approach to personality. *Frontiers in Psychology*, 10, 2264.
[Doi: 10.3389/fpsyg.2019.02264](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02264)
- Wang, W., Liu, X., Wang, S., Li, Y., & Li, Y. (2023). Personality traits and parental burnout among fathers: A moderated mediation model. *Journal of Child and Family Studies*, 32 (6), 1655-1665. [Doi: 10.1007/s10826-022-02507-7](https://doi.org/10.1007/s10826-022-02507-7)
- Wentzel, K. R., Jablansky, S., & Scalise, N. R. (2021). Peer social acceptance and academic achievement: A meta-analytic study. *Journal of Educational Psychology*, 113 (1), 157. [Doi: 10.1037/edu0000468](https://doi.org/10.1037/edu0000468)
- Xerxa Y., Rescorla L.A., van der Ende J., Hillegers M.H.J., Verhulst F.C., Tiemeier H. From Parent to Child to Parent: Associations Between Parent and Offspring Psychopathology. *Child Development*. 2021;92: 291-307.
[Doi: 10.1111/cdev.13402](https://doi.org/10.1111/cdev.13402).
- Xu, F., Cui, W., & Lawrence, P. J. (2020). The intergenerational transmission of anxiety in a Chinese population: The mediating effect of parental control. *Journal of Child and Family Studies*, 29 (6), 1669-1678.
[Doi: 10.1007/s10826-019-01675-3](https://doi.org/10.1007/s10826-019-01675-3)

- Yakupova, V., & Suarez, A. (2023). Parental burnout, depression and emotional development of the preschoolers. *Frontiers in Psychology, 14*, 1207569.
Doi: 10.3389/fpsyg.2023.1207569
- Yazdekhasti, F. & Ghasemi, S. (2010). The relationship between parental personality and their rejection and acceptance of children. *Journal of Educational Psychology Studies, 7* (12), 131-144.
Doi: 10.22111/Jeps.2010.720 [In Persian]
- Yu, X., Zhang, Y., & Xin, S. (2024). Longitudinal and bidirectional relationships between parental rejection, peer attachment, and adolescent depression. *Children and Youth Services Review, 160*, 107601.
Doi: 10.1016/j.childyouth.2024.107601
- Yuan, Y., Wang, W., Song, T., & Li, Y. (2022). The mechanisms of parental burnout affecting adolescents' problem behavior. *International journal of environmental research and public health, 19* (22), 15139.
Doi: 10.3390/ijerph192215139
- Zhao, B., Wang, X., Jiang, X., Zhuang, R., Li, J., Ji, N., & Boyanton, D. (2025). The effect of neuroticism on depressive symptoms in Chinese college students: maternal parenting practices as moderators. *Frontiers in Psychology, 16*, 1584212.
Doi: 10.3389/fpsyg.2025.1584212

